

برای مردی که نویسنده ماند

مریم فضالی
خبرنگار

در هجدهمین دفتر از مجموعه نشست‌های شب‌های فرهنگ، اهالی هنر و ادبیات این بار گرد هم آمدند تا به پاس کارهای ارزش‌مند مرتضی سرهنگی، روزنامه‌نگار و پژوهشگر ادبیات پایداری از او تقدیر کنند. فریاد مهدی پور، رضا امیرخانی، امید مهدی نژاد، احمد مرادپور و دیگر شخصیت‌های هنری میهمان این جلسه‌ها و شب‌های فرهنگ بودند که دقایقی در مورد ویژگی‌های شخصیتی و حرفه‌ای مرتضی سرهنگی صحبت کردند. اکبر نبوی پژوهشگر حوزه فرهنگ و هنر در ابتدای این نشست با گفتن دو مقدمه برای صحبت‌هایش گفت: «افتخار آشنایی با مرتضی سرهنگی را از طریق سعید صادقی از سال ۱۳۶۷ دارم. آقا مرتضی تازه دفتر ادبیات راه‌اندازی کرده بود و من دیدم بیشتر دفاع مقدس روزنامه رسالت بودم. اگر بخوام شخصیت مرتضی سرهنگی را توصیف کنم، در ۳۰ ساعت از آن یاد می‌کنم. ایشان یک نویسنده است، فکر می‌کنم ایشان از زمستان ۶۰ کارش را شروع کرده و چه بخواند یا نخواند، آثارش گره خورده با دفاع مقدس است. دیگر ساحت شخصیت مرتضی سرهنگی، روزنامه‌نگار بودنش است. اواخر دهه ۵۰ روزنامه جمهوری کارش را شروع کرده و بعد دو هفته نامه کمان را همراه با دوست عزیزمان، هدایت بهبودی منتشر کردند و بعد از آن دوره کوتاهی را در روزنامه ایران فعالیت کردند. دیگر ساحت شخصیتی او، در دفتر ادبیات مقاومت دیده می‌شود. اما من کمان را جدا از روزنامه‌نگاری مرتضی می‌بینم، نگاه متفاوتی که مرتضی فرهنگی و هدایت بهبودی داشتند. اتفاقی که می‌دیدند و گرافیک خلاقانه‌ای که کوروش پارسائزاد انجام می‌داد، ساحت چهارمی از مرتضی را ساخت. ایبو و فرهنگ و سوره و مردم در حال جنگ باید باشد. اما در دفاع فرقی نمی‌کند. هر مملتی با هر نوع نگاه و گرایش و تفکری وقتی دفاع می‌کند رنگ و بوی سوره را می‌گیرد. جنگ زشت و پلشت است هیچ چهره زیبایی ندارد که بشود از آن دفاع کرد، اما از دفاع در هر حالتی می‌توان دفاع کرد. سوره که انسان است می‌دمد در ایوه که جنگ است. شهید آوینی در مجموعه روایت فتح اولین کسی است که به این نگاه رسید و خودش گفته بود: «برای من اهمیتی ندارد که جنگ چگونه می‌گذرد، برای من واکنش آدم‌ها مهم است. همین نگاه مرتضی را ابراهیم حاتمی‌کیا و رسول ملاقلی پور ادامه می‌دهند. این خیلی اهمیت دارد و مرتضی سرهنگی هم این سوره بودن را برجسته کردند. بعد از مقدمه، به عنوان اولین سخنران، فریاد مهدی پور که تجربه‌ای بر ۲۰ سال روزنامه‌نگاری دارد و آنان معاون مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، به دعوت اکبر نبوی پشت تریبون رفت و گفت: «برای من مایه خوشبختی است که در مورد آقای سرهنگی صحبت کنم، به اعتبار چهار ساحتی که آقای نبوی گفتند، من هم می‌لایم در موضوع روزنامه‌نگاری و کنشگری ایشان صحبت کنم. ما به نیمه اول دهه ۷۰ که برمی‌گردیم، با یک پویایی در حوزه نشریات فرهنگی روی روی می‌شویم. بعضاً گفته می‌شود پویایی نشریات در دوم خرداد است، اما آن تاریخ برای نشریات سیاسی است. خیلی‌ها مجموعه‌ای از رسانه‌ها و نشریات که در یک تبادل یا تقابل با روبروکردن و شناسایی شکل گرفتند. مانند نشریات آدینه، شباب و گردون. من جدای از تقابل با روبروکردن و شناسایی شکل گرفته‌اند. مانند نشریات آدینه، شباب و گردون. تعداد زیادی نشریه متولد شد مانند صبح و نیستان. از این حیث، کمان در همین مجموعه قرار می‌گیرد. اعتقاد من این است که اوایل دهه ۷۰، دوره‌ای پویا و مولد است و اساساً تفکری را متولد کرد که از یک سو در تقابل با روشنفکری است و از سوی دیگر بنیانگذار شدن یک ایده است. کمان بیشتر نوع دوم است و سعی در تولید یک تفکر جدیدی دارد. مخاطبان کمان تعداد قابل توجهی بودند. گرافیکش یکی از مواردی بود که در لایه متفاوتی با دیگر نشریات بود. در آن ایام که دیگر نشریات چاپ‌های رنگی، جلد‌های گل‌امه و عکس‌های بزرگ از چهره‌ها کار می‌کردند، کمان خلاص آن جهت تصویرسازی و از چاپ دو رنگی استفاده می‌کرد و حتی در همان دوره کوتاه هفت، هشت ساله‌ای که داشت، باعث شد در دیگر نشریات هم ردی از خود باقی بگذارد. ویژگی خوب کمان در نگاه واقع‌بینانه‌ای بود که به اتفاقات داشت و همین نگاه او را متمایز از دیگر نشریات می‌کرد. اما در جهت چهره روزنامه‌نگاری ایشان یک مهم وجود دارد. اساساً خاطره‌نویسی و خاطره‌نگاری به سبکی که ایشان و آقای بهبودی بنیان گذاشتند از همین سبک روزنامه‌نگاری ایشان متولد شد. «در ادامه رضا امیرخانی نویسنده و منتقد ادبی پشت تریبون رفت و صحبت خودش را با شعری از شاملو شروع کرد و گفت: «عموهایت را می‌گویم، از مرتضی سخن می‌گویم... و ایستگی و دل‌بستگی هم نسلان من از حوزه هنری، آقای سرهنگی است. هر وقت وارد حوزه می‌شوم، می‌بینم که همه چیز هنری عوض شده ولی تنها چیزی ثابت حوزه آقایان سرهنگی و بهبودی هستند. من تصور این است که این دو بزرگوار، برای ما نام، نشان و اصالتی را حفظ کرده‌اند که به نظر من از کمان و کتاب‌های ایشان ارزش خیلی بیشتری است. من از این منظر خود آقایان سرهنگی و بهبودی را بالاتر از کارهایشان می‌بینم. زیرا آقای سرهنگی به ما نشان می‌دهد چه کاره بودیم و چه می‌کردیم. در مراسم است که قصه‌نویس هاورشکسته می‌شوند و بعد از دوره‌ای طرف خلاصیت شان تمام می‌شود و بعد از آن نویسندگان به کارهای نقد روی می‌آیند. اما در دوره‌ای که هرکسی می‌خواهد جای دیگری باشد، آقای سرهنگی هیچ وقت نخواست تبدیل به چیز دیگری شود. همین بسیار بار ارزش است. آدم‌های دور و بریمان برای تبدیل شدن به چیز دیگر تلاش می‌کنند، اما مرتضی سرهنگی، خودش است و تبدیل شدن به چیز دیگری را نخواست. این برای من آموزنده است. «در ادامه سخنران‌ها، احمد مرادپور، فیلم‌ساز صحبتش درباره مرتضی سرهنگی را این گونه آغاز کرد: «در دوره‌ای

که آقای مژ در حوزه هنری حضور داشت در جلسه‌ای، خسرو دهقان از من پرسید آن آقا کیست؟ گفتم ایشان پنج‌راهی از جنس ادب و هنر رو به دفاع مقدس است. فکر کرد دارم دستش می‌اندازم. گفتم ایشان درباره‌ی‌المعارف دفاع مقدس است. این یکی از شاعرانه‌ترین و لطیف‌ترین دیدارهایی بود که داشتیم. آقا مرتضی به من گفت اگر جعبه سیاه سیسته مادران، زنان، کودکان و اسرای جنگ را بازنمایی، صدای هزینه جنگی که به ماتحمیل شده بلندتر می‌شود. در دیداری دیگر یاد هست که گفت اگر در داستان و فیلم‌های جنگ مان، حرفی برای امروزمان داشته باشیم، آن داستان غنی‌تر و ارزش‌مندتر خواهد بود. این بازنمایی آن فرهنگ دفاع مقدس در زمانه فعلی بود. بعد از این صحبت‌ها زمانی که فکر می‌کردم همه چیز جنگ برایم آشکار شده، باز هم آقا مرتضی وجهه دیگری را رو کرد. آن هم سمت عراقی‌ها در جنگ بود. به تدریج متوجه شد‌ام این بخش اهمیت بیشتری دارد. «در ادامه داوود امیریان نویسنده گفت: «در سال‌های ابتدایی جنگ شاید به ذهن کسی نمی‌رسید که با اسرای عراقی مصاحبه‌کنند و خاطرات آنها را بگردند. به ذهن آقای سرهنگی رسید و خودش رفت پای کار و به کسی آن را ننسپرد. بعد از آن دفتر ادبیات و هنر مقاومت با حضور آقایان فرهنگی و بهبودی و کمزری و از یک اتاق کوچک و دو میز شکل گرفت. من اولین بار در ۱۵ سالگی آقای سرهنگی را دیدم. به من دفتر و خودکار داد و گفت برو خاطراتت را بنویس. من اولین کتابم در ۳۰ سالگی چاپ شد. نه فقط من که خیلی دیگر از دوستانم از اعتماد آقای سرهنگی توانستم رشد کنم. یکی دیگر از ویژگی‌های آقای سرهنگی این بود که من هنوز نتوانستم بفهمم که گرایش سیاسی ایشان چیست، با همه دوست است و ارتباط دارد. من آقایان سرهنگی و بهبودی را اسرار ادبیات پایداری می‌دانم. اگر تشویق‌های ایشان نبود سرزشت ما معوض می‌شد و من به‌شخصه خیلی از ایشان ممنونم. «اکبر نبوی از صحبت‌های امیریان استفاده کرد و گفت: «ذات مرتضی به شدت روحیه معلمی دارد و اگر این ذات را نداشته دفتر ادبیات پایداری، پایدار می‌ماند و نه این آثار به جایی می‌رسید. سپس امید مهدی نژاد، شاعر و نویسنده و طنزپرداز و سردبیر مجله سه نقطه پشت تریبون رفت و گفت: «در فهرست من آقای سرهنگی جزء قدسیان حساب می‌شود. بخش زیادی از ویژگی‌های ایشان را آقای امیرخانی گفتند. بعد از ۲۰ سال فعالیت در حوزه هنری اگر کسی درباره‌ی آنجا از من سوال کند می‌گویم، یک آدمی هست در آنجا که خودش فعالیت و فعالیت‌هایش را تقدیر درست است که هیچ‌کس نمی‌خواهد ایشان را عوض کند. یکی از ویژگی‌هایی که باعث شده آقای سرهنگی به این جای برسد، هنر نه گفتن است. ایشان در همان خط درستی که خودشان برای خودشان تعریف کرده است مانده. «کوروش پارسائزاد، گرافیکست که از قدیم با مرتضی سرهنگی همکاری داشته بعد از گفتن خاطره‌ای از ادبیات، سینما و فرهنگ منتشر می‌شد. در برابر این نشریات در مجله کمان گفت: «در آنجا هرکسی سرجای خودش قرار داشت و من نگرانی از این جهت نداشتم که آقای بهبودی و سرهنگی کار مرا پشیمانند. الان که مرور می‌کنم می‌بینم سبک و شیوه‌ای در آنجا بود که هنوز برای خودم دل‌نشین است. «سرهنگی که این رویداد برای او شکل‌گیری شده بود، به عنوان آخرین نفر پشت میکروفن رفت: «همه این حرف‌ها فقط باعث شده که من خجالت بکشم، و من فقط باید تشکر کنم. نکته‌ای که می‌خواهم بگویم سفری است که با خلبان لشکری داشتم. ما میهمان لشکر ۹۲ زرهی اهواز بودیم. شب‌ها موقع شام این خلبان با من صحبت می‌کرد که در کارم بسیار تأثیرگذار بود. ایشان ۱۸ سال در سلول انفرادی بود. تعریف می‌کرد که در تمام این ۱۸ سال فقط دو قلب آب خنک خورده بودم و من از آن دو قلب به عنوان قیمت تمام شده جنگ یاد می‌کنم. این قیمت برای ما هنوز دینامه است؛ این قیمت را هنر و ادبیات درمی‌آورد. این قیمت باید در بیاید. نه سیاست و... تا وقتی این قیمت به دست ما نرسد، ما این رفتار را با کشور خودمان می‌کنیم. کاری که امسال آقای امیریان، پارسائزاد، جوانبخت و دیگر دوستان بسیار پرزنگ‌تر از کار من بود. آنها آمدند و کار را در دست گرفتند. ما باید به این قیمت احتیاج داریم تا بتوانیم کشورمان را اداره کنیم. اگر این قیمت درمی‌آمد دیگر آن آدم در تلویزیون نمی‌گفت لوسان را می‌زنند! من هم فقط می‌خواهم به درد مملکت من بخورم و تمام. «شب‌های فرهنگ به همت و میزبانی اکبر نبوی پژوهشگر و فعال فرهنگی برگزار می‌شود. این جلسات کارشناسان و فعالان فرهنگ و هنر در هر فرصت برگزاری، به یک موضوع یا یک شخصیت فرهنگی می‌پردازد.

سینمای ایران به تولید فیلم نیاز دارد نه انشانویسی!

رئیس سازمان سینمایی در پیامی به مناسبت روز ملی سینما خطاب به اهالی سینما گفت: «سینمای ایران، در سال‌های دشوار و آزمون‌های سخت، همواره سربلند و پر افتخار درخشیده است. آنچنان‌که امروز ما را در سراسر جهان با سینمای ایران و افتخارات آن می‌شناسند، نام‌ها و یادبودها در محافل مختلف و رویدادهای بین‌المللی طنین می‌اندازند و در منطقه، کشورهای همسایه، سینمای ایران را متر و معیار قرار می‌دهند.»

خرزاعی در بخش دیگری از این نامه آورده است: «در این دو سال کوشیدیم بر بحران‌ها غلبه کنیم، دست یاری به سوی خانواده سینما دراز کرده و از آنان برای حل مشکلات فرهنگی خواست‌ام. گام‌های بزرگی برداشته‌ایم، بر دروازه رکورد پس از کرونا غلبه کرده‌ایم و چرخ تولید همچنان می‌چرخد. سینماسازی در استان‌ها و مناطق دور از شهرهای بزرگ ادامه دارد. نسل تازه‌ای از سینماگران وارد فضای سینمای داستانی شده و در سینمای مستند و کوتاه شاهد آثار رونق و جهش تولید و برگزاری جشنواره‌ها، پانوی‌ها و گنده‌هایی برای نمایش فیلم هستیم. تمرکز سازمان سینمایی دولت سیزدهم بر مدار عدالت در گستره فرهنگی است، جوانان خارج از شهرهای بزرگ که پیش از این کمتر به آنها توجه می‌شد در کانون توجه قرار گرفته و با احیای سینمای استان‌ها، مسیر فیلمسازی شان را هموارتر کرده‌ایم. ناگزیر باید بگویم که در این مسیر، سنگ‌اندازی‌ها اگر چه حرکت ما را کندتر کرد اما متوقف نشده‌ایم و نمی‌شویم. سینمای ایران به جریان پویای تولید فیلم و اشتغال نیاز دارد نه خط تولید بیانه‌سازی و انشانویسی.»



اتهام پراچی تشویش اذهان عمومی و تبلیغ علیه نظام است

صبح دیروز نشست خبری سخننگری قوه قضائیه برگزار شد. یکی از موضوعاتی که در این نشست به آن پرداخته شد، بیان آخرین وضعیت پرونده مهدی پراچی بود. به‌سعد ستایشی، سخننگر قوه قضائیه در این نشست خبری درباره آخرین وضعیت پرونده مهدی پراچی این‌گونه توضیح داد: «پرونده‌ای در ناحیه ۳۸ دادسرای عمومی انقلاب تهران تشکیل شده است. اتهام ایشان تشویش اذهان عمومی، تبلیغ علیه نظام و ساخت و انتشار فیلم‌هایی برخلاف مقت عمومی است. نامبرده پس از تعقیب اتهام و انجام تحقیقات ابتدایی و رسیدگی‌های اولیه؛ پرونده‌اش با صدور قرار (پراچی) در حال حاضر براساس قرار تأمین بازداشت موقت در زندان به سر می‌برد.» محمود سالاری، معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگویی که هفته گذشته با «فرهیختگان» داشت درخصوص بازداشت پراچی گفته بود: «برای پراچی نهاد قضایی حکم داده که دستگیر شود، ولی در طول این مدت ما با بسیاری از هنرمندان و به‌ویژه خواننده‌ها و تهیه‌کنندگان در ارتباط بودیم. در همین ساختمان ما جلسه‌ای با تمام تهیه‌کنندگان موسیقی گذاشتیم و به آنها توضیح دادیم که از خواننده‌ها مراقبت کنید تا جوگیر نشوند و اتفاق پراچی را نبینند.»

پراچی در ۳ شهریور ۱۴۰۲ ترانه‌ای جدید منتشر کرد که عنوانش «روسری تو» بود. به گزارش تسنیم، پراچی در این ترانه رسماً به تبلیغ بی‌قانونی و شکستن نرم‌های اجتماعی و تشویق دختران برای برداشتن روسری‌هایشان می‌پردازد. این اتفاق است که باعث بازداشت شدن مهدی پراچی شده است.

پیرامون شایعه بازی ویل اسمیت در نقش رهبر رایش

نور، صدا، هایل هایتلر!



هومن جعفری
خبرنگار

۱ یکی دو روز است تصاویری در شبکه‌های مجازی دست به دست می‌چرخد که تعجب شدید کاربران را در پی داشته به طوری که ماجرا به سایت‌ها و خبرگزاری‌ها نیز کشیده شده تصاویر جنجالی مورد بحث، تصویر ویل اسمیت، بازیگر معروف سیاه‌پوست در نقش آدولف هیتلر، رهبر حزب نازی آلمان در دهه سی و چهل میلادی است که جنگ جهانی دوم را به راه انداخت. بازی یک بازیگر سیاه‌پوست در نقش هیتلر که یکی از نژادپرست‌ترین رهبران تاریخ بود، امر بسیار تکان‌دهنده‌ای بود که به انتشار گسترده این تصاویر منجر شد. انتشار آرم نتفلیکس در زیر این تصویر نیز به باور شدن آن کمک شایان توجهی کرد. بیابید کمی این تصویر را با هم بررسی کنیم.

۲ در ماه‌های اخیر و بعد از انتشار رسمی هوش مصنوعی، تصاویری از این دست در شبکه‌های اجتماعی بسیار محبوب شده‌اند. مثلاً تصاویر سیاستمداران معروف دنیا با لباس کردی یا بازیگران سریال پرکینگ بد با لباس عربی! قدرت بالای هوش مصنوعی در خلق تصاویر اینچنینی سبب شده تا مخاطبان در گستره جهانی از چنین تصاویری استقبال گسترده‌ای به عمل بیآورند. مهم نیست سوره عکس‌ها چه چیزی است، مهم این است که این تصاویر برای مخاطبان بسیار جذابیت دارد. مثلاً تصاویری خیالی از پادشاهان قدیمی هرکشوری یا تصاویر خیالی ورزشگاهی که یک باشگاه پرطرفدار می‌تواند برای خودش داشته باشد. یا مثلاً تصاویر مربوط به حضور ریات‌ها در فضا! دیگر نیاز نیست طراحان برای ساختن چنین چیزهایی زحمت بکشند. هوش مصنوعی بخش بزرگی از این بار را بر دوش کشیده. تصویر مربوط به حضور ویل اسمیت در نقش هیتلر نیز یکی از این تصاویر است.

۳ اما چرا هیتلر و ویل اسمیت؟ بخشی به این برمی‌گردد که هیتلر رهبر یکی از نژادپرست‌ترین حکومت‌های زمانه بود. شاید مافکر کنیم مشکل رژیم نازی‌ها فقط با یهودیان بود اما این طور نیست. آنها کلاس‌های سیاه‌پوست را هم خیلی داخل آدم حساب نمی‌کردند. همین حال‌در آمریکا، گروه‌های نژادپرستی نازی حضور دارند که اصلاً تحمل سیاه‌پوستان را ندارند.

چرا ویل اسمیت؟ چرا مثلاً دنزل واشنگتن نه؟ شاید دلیلش برمی‌گردد به ماجرای ویل اسمیت و طرفداری‌اش از هیتلر! در سال ۲۰۰۷ رسانه‌ای ادعا کرد ویل اسمیت از هیتلر تعریف کرده و او را انسانی دوست‌داشتنی توصیف کرده. ما چرا به شکایت رسیدیم و ویل اسمیت توانست در دادگاه پیروز شود و حتی از رسانه مذکور غرامت بگیرد. به این ترتیب متوجه شدیم چرا این شوخی برای ویل اسمیت و هیتلر جواب می‌داد نه دنزل واشنگتن! البته پادمان هم باشد ماجرای دعوی ویل اسمیت و کریس راک در مراسم اسکار هم سرجای خودش هست و کلا ویل اسمیت بعد از آن افتضاح تاریخی، در شبکه‌های اجتماعی بیشتر مورد شوخی قرار می‌گیرد.

۴ چرانت فلیکس؟ سوال یک میلیون دلاری اینجاست! شاید نمی‌دانستید این شوخی با ویل اسمیت انجام شده و دلیلش هم توضیح داده شد. ماجرا اما اینجاست که چرا پای نتفلیکس وسط آمده؟

شاید دلیل اول حسن شهرت نتفلیکس برای پروژه‌های سینمایی و مجموعه‌های بسیار درخشان است که باعث می‌شود قرار گرفتن برنده‌ش در پوستر یک کار، باعث سرچ شدن نام آن کار در شبکه‌های اجتماعی شود.

اما نکته دوم، شهرت منفی نتفلیکس در تحریف تاریخ است. اگر در دنیا فقط یک کمپانی را پیدا کنید که حاضر باشد نقش هیتلر را به ویل اسمیت تعارف کند، نتفلیکس است! نتفلیکس همین چند وقت پیش با ساخت سریال مستند کلوپا و تاو دادن نقش این ملکه سفیدپوست به بازیگری رنگین پوست، باعث خشم جامعه مصر و شکایت شدید مقامات رسمی علیه کمپانی خود شد! شاید آنها فکر می‌کردند با تغییر رنگ پوست بازیگر نقش اول، خوشحالی و رضایت خاطر مقامات و مردم مصر را فراهم می‌آورد اما این طور نشد و کار کاملاً برعکس درآمد! پیش از این اعتراض‌ها و شکایت‌های متعددی از نتفلیکس بابت تحریف واقعیت و دستکاری حقایق منتشر شده بود. مثلاً «شان پن» بازیگر مشهور آمریکایی و از ستاره‌های بزرگ هالیوود، بعد از پخش مجموعه مستندی در مورد ملاقاتش با پال چاپو و دستگیری این دلال بزرگ مواد مخدر بعد از این ملاقات، به نتفلیکس اعتراض شدید کرد. این مستند طوری القا کرده بود که انگار بازیگر آمریکایی در این بازداشت دخیل بوده؛ امری که می‌توانست باعث انتقام کارتل مکزیک‌یکی شود. مورد دیگر مربوط به سریال تاج است که داستانش به زندگی ملکه انگلیس مربوط است. داستان به قول سازندگان در فضایی خیالی و ذهنی طراحی شده اما با توجه به اینکه این سریال پیرامون شخصیت‌های حقیقی و معاصر طراحی شده که بسیاری از آنها هنوز زنده‌اند، انتقادهایی را نیز ایجاد کرد. حتی جان میجر، نخست‌وزیر سابق انگلیس نسبت به برخی از ادعاهای مطرح شده در سریال به شدت اعتراض دارد و آنها را «مزخرف محض» توصیف کرده است! اما این همه ماجرا نیست. شکایت ثبت شده دیگر از نتفلیکس به سریال ساختن یک قاتل برمی‌گردد. اندرو کالیون، کارآگاه بازنشسته کالفرنی و یسکانسین در این سریال به‌گونه‌ای به تصویر کشیده شد که در زندگی واقعی بسیار مورد نقد قرار گرفت و همین موضوع باعث شکایت او از این مستند و از شبکه سازنده‌اش شد. از این دست نمونه‌ها کم نیست. نتفلیکس در سال‌های اخیر با چنین کارهایی و همچنین با تزریق کردن اجباری و اغلب بی‌دلیل نقش‌های مربوط به اقلیت‌های جنسی به فیلم‌ها و سریال‌های خود، چنین تصویری را در ذهن مخاطب جهانی جا انداخته که از تحریف کردن واقعیت ابایی ندارد. بعید نیست آنها نقش هیتلر را به ویل اسمیت پیشنهاد دهند. نظر شما چیست؟

